

صمیمیت



کمونیست
ماهانه
Mahane

آبان ۱۳۸۴ - اکتبر ۲۰۰۵

سر دبیر: فاتح شیخ دستیار: عبدالله شریفی



عبدالله دارابی فرماده گارد آزادی

دفتر سیاسی حزب به عبدالله دارابی فرماده گارد آزادی برای فرماده‌ی سراسری گارد آزادی رای اعتماد داد. فرماده سراسری گارد آزادی طبق قرار مصوب پلنوم سوم توسط دبیر کمیته مرکزی برای گرفتن رای اعتماد به دفتر سیاسی پیشنهاد میشود. عبدالله دارابی در این پست بعنوان معاون نظامی دبیر کمیته مرکزی عمل خواهد بود

دفتر اجرایی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۱۰ آبان ۱۳۸۴ (۱ نوامبر ۲۰۰۵)

مطلبی از منصور حکمت در مورد نیروی مسلح حزب
در صفحه ۵

گارد آزادی

قرار مصوب پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
اکتبر ۲۰۰۵

جمهوری اسلامی و دولتهای غربی و آمریکا به تبلیغ فدرالیسم قومی در ایران روی آورده و خطر "عراقیزه" کردن جامعه ایران و "سناریو سیاه" را به شدت افزایش داده اند،
پ - بورژوازی اپوزیسیون و دار و دسته های مذهبی و قومی میتوانند در رابطه میان خود با جنبش ها و احزاب سیاسی دیگر بویژه با طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهانه متوسل به نیروی نظامی شوند و تجربه در ایران و عراق و سایر نقاط جهان نشان میدهد که این کار را خواهند کرد.
ت - در کردستان رابطه میان مردم با جمهوری اسلامی، بین احزاب سیاسی با هم و با مردم بعد نظامی داشته و یا به سرعت پیدا خواهد کرد و هیچ نیروی سیاسی بدون داشتن بقیه در صفحه ۵

پلنوم سوم کمیته مرکزی اصول زیر را به عنوان مبنای گارد آزادی تصویب میکند:

۱ - از آجاکه:

الف - خطر از هم پاشیدن بنیاد های زندگی مننی و "عراقیزه" کردن جامعه ایران در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و یا بعد از آن توسط دار و دسته های مسلح اسلامی، قومی و گتنگسترهای سیاسی و همچنین توسط نخالتهای نظامی آمریکا و متحدینش به یک خطر دائمی در ایران تبدیل شده است.
ب - بخش زیادی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی و دارو دسته های قومی و مذهبی مسلح هستند و به سیاست در ایران بعد نظامی داده اند. همچنین بستر اصلی اپوزیسیون راست

کوروش مدرسی

گارد آزادی

بحث پیرامون قرار پیشنهادی در پلنوم سوم

دور اول: معرفی قرار

رفقا!

با توجه به بحث مفصلی که در مورد اوضاع سیاسی ایران و اولویتهای حزب داشتیم، قرار پیشنهادی در مورد گارد آزادی را مختصر معرفی میکنم. بعدا اگر لازم شد در نوبت دوم توضیحات بیشتری خواهم داد.

ایده گارد آزادی یک جنبه "قدیمی" دارد که ما با آن آشنا هستیم و خیرگی کامل در انجام آن داریم و یک جنبه جدید که باید به آن توجه کنیم.

جنبه جدید مسئله خصلت سراسری گارد آزادی است که ابتدا در این مورد صحبت خواهم کرد و جنبه قدیمی تر آن بر میگردد به اهمیت بناسیل نظامی ما در کردستان که بعدا به آن بر خواهم گشت.

الف - جنبه سراسری گارد آزادی

خاصیت عمومی گارد آزادی، چه در تهران و چه در مشهد یا سنج در این وظیفه حیاتی بر میگردد که تضمین کند که در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و بعد از آن امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم بدست درودسته های قومی،

اسلامی، یا گتنگسترهای سیاسی گرو گرفته نمیشود. بنیادهای زندگی مننی در جامعه از هم پاشیده نمیکرد. ایران عراقیزه نمیشود. گارد آزادی باید پایه و عنصر قدرت لازم را فراهم کند.

در نتیجه از این جنبه، گارد آزادی، چه در کردستان و چه در خارج کردستان، جزء اساسی روبروئی با خطر سناریو سیاه و یک سیاست انتگره با سیاست کنترل محله است. در این متن واحدهای گارد آزادی میتوانند از همان روز اول مسلح نباشند و بعدا به تدریج مسلح شود. واحدهای گارد آزادی جمعهای هستند که قبل از هر چیز فضای محله را کنترل میکنند،

جمعهای هستند که حواس شان به این جنبه از اوضاع و سیاست هست و به تدریج، با توجه به اوضاع و احوال، یا خود را مسلح میکنند یا ما کمک میکنیم این کار را انجام دهند.

فعالیت گارد آزادی در این بعد، چه در کردستان و چه در خارج کردستان، معطوف به عملیات نظامی نیست، وجود و حضور گارد آزادی در یک محله، در یک شهر، در مدرسه یا دانشگاه و یا کارخانه ناظر بر وجود فعل و

بقیه در صفحه ۲



۲۱- گارد آزادی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است و بعنوان بازوی نظامی حزب در خدمت اهداف، آرمانها و برنامه این حزب سازمان میابد. منشور این نیرو مبتنی بر حقوق چهارموشول انسان است. هدف فوری آن تضمین قدرت نظامی حزب و طبقه کارگر و مردم زحمتکش در دفاع از آزادی و امنیت سیاسی و اجتماعی خود و تضمین انجام مفاد منشور سرنگونی در هر بعد ممکن است.

متن تصحیح شده به این شکل است:

۲۲- گارد آزادی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است و بعنوان بازوی نظامی حزب در خدمت اهداف، آرمانها و برنامه این حزب سازمان میابد. هدف فوری این نیرو تضمین قدرت نظامی حزب، طبقه کارگر و مردم انقلابی برای نفع از آزادی و امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه است.

اضافه کردن منشور سرنگونی یک تصویر غیرحزبی و "مکرراتیک" و رقیق شده ای از گارد آزادی می دهد که درست نیست. برای ما مهم است که این نیرو یک نیروی حزبی باشد، معیارها، ارزشها و سیاستها و اتوریته حزب را

ببپذیرد و جزئی انکاره از فعالیت حزب باشد. این نیرو نمیتواند و نباید کاری را انجام دهد که با ارزشها و آرمانها و سیاستهای حزب در تضاد است. هر کس که به گارد آزادی میبویند باید از همان اول بدانند که به سازمانی پیوسته است که شعار محوری آن "کارگران جهان متحد شوید"، "اساس سوسیالیسم انسان است" و "آزادی، برابری، حکومت کارگری" و برنامه آن "یک دنیای بهتر" است. این هویت کمونیستی و حکمتیستی باید هویت داده آرمانی و برنامه ای این نیرو باشد.

قرار پیشنهادی همه جنبه های گارد آزادی را نمیپوشاند. این نیرو به اسناد دیگری احتیاج دارد که باید تهیه و تصویب شوند. این سند مبنای کار و فلسفه سازماندهی گارد آزادی و رابطه آن با

افزایش میدهند و در ثانی به سرعت وارد شهرها و روستاها میشوند، خود را به مردم تحمیل میکنند، عملاً دولت تشکیل میدهند. اولین کار آنها، تاریخ نشان داده است و با عقل سلیم هم میشود فهمید، تلاش برای قلع و قمع مخالفین، طبقه کارگر، از ادیجوها و کمونیستهاست. اگر خلاء قدرت در سایر بخشهای ایران، حتی موقتی، ممکن باشد، در کردستان چنین خلاء قدرت وجود نخواهد داشت. قدرت میان احزاب مسلح تقسیم میشود. به عراق نگاه کنید.

عرصه، سیاست و الگوی فعالیت ما امکان به وجود آوردن یک نیروی حرفه ای در مرزها را نمی دهد. پولش را نداریم، پرسنلهای مان امکان زندگی در شکاف میان دولتها و سازش با دولت عراق یا اتحادیه میهنی را نمیدهد. پولش را هم که داشته باشیم این عرصه و نوع کاری است که دولتها، بخصوص امریکا، با سرازیر کردن پول و اسلحه تناسب قوا را در آن تغییر میدهند. این خولین در مرز و سکونت در اردوگاه نمیتواند الگوی اصلی فعالیت ما باشد. اگر پول و امکانش را داشته باشیم باید از آن استفاده کنیم. اما شهرها کتون قدرت ما هستند. گارد آزادی و حزب ما باید تضمین کند که قبل از رسیدن هر نیروی مسلحی نیروی مسلح کمونیستها در ابعاد توده ای حضور دارد و امنیت و آزادی مردم را در مقابل جمهوری اسلامی و احزاب ناسیونالیست حفظ میکند.

ما نباید اجازه دهیم که قیام مردم در کردستان ایران به سرنوشت قیام مردم در کردستان عراق تبدیل شود و جامعه و مردم قربانی سیاستها و زور گویی احزاب ناسیونالیست شود.

ما باید تضمین کنیم که وقتی که در کردستان نیروهای مسلح احزاب وارد میدان شدند، نیروی مسلح ما به مراتب وسیع تر و قوی تر از احزاب ناسیونالیست در صحنه حاضر است. این نیرو باید اساساً از محل کار و زندگی مردم بیرون بجوشد و قبل از اینکه کسی بخواهد خود را به مردم تحمیل کند کنترل اوضاع را بدست گرفته باشد.

پ - رابطه با حزب

در متن اولیه قراری که تقدیم پلنوم کردم علاوه بر برنامه حزب، بیانیه حقوق چهارموشول انسان هم برای گارد آزادی منیا قرار گرفته بود. رفیق مظفر محمدی به درست به این اختلاط ایراد گرفته بود و اصلاحیه ای پیشنهاد کرده بود که من مضمون آن را وارد قرار کرده ام. متن اولیه بند ۲ قرار این است:

توده ای مردم و نیروی مسلح احزاب سیاسی تعیین خواهد کرد. سیاست در کردستان هر دو این عناصر یعنی اعتراض توده ای و نیروی مسلح احزاب سیاسی آپوزیسیون را در خود دارد.

خواست بیرون رفتن قوای مسلح جمهوری اسلامی از شهرها و یا از کردستان به سرعت میتواند توده گیر شود و بعد نظامی پیدا میکند. این موقعیتی است که در خارج کردستان وجود ندارد. این رابطه تاریخ دارد و آتشفشانی است که نیر یا زود فوران خواهد کرد.

ما باید برای این وضع آماده باشیم. در کردستان گارد آزادی، در تمایز از سایر نقاط ایران، وظایف ویژه و نظامی بر عهده دارد که از گشت های سیاسی - نظامی، تا کنترل موقتی محل و از حفاظت متحرک علنی رهبران حزب در میان مردم تا تحریک دسته های سازمانده و از حفاظت از فعالیت ها، نهاد ها، امکان حزبی و توده ای تا ایجاد واحدهای منظم بزرگتر و متحرک، مانند گردان و تیپ و غیره را شامل میشود. این فعالیتی است که ما تا اینجا متخصص آن هستیم. این کار را کرده ایم و اینبار باید در ابعاد وسیع تر انجام دهیم.

در بحث قبل اشاره کردم گارد آزادی نیروی مبارزه مسلحانه سنت محاصره شهر از طریق روستا، هسته مسلح سنت چریکی و یا نیروی پیشمرگ سنت ناسیونالیسم کرد نیست. نیروی تماماً جدیدی است با

الگوها و استانداردهای خودمان، منطبق با زندگی و کار مردم شهر و بویژه طبقه کارگر و مردم زحمتکش. ما باید قدرت دفاع از خود در مقابل جمهوری اسلامی و در مقابل مداخلت احزاب ناسیونالیست و داروینسته های مذهبی و قومی و گانگسترهای سیاسی را داشته باشیم. با بالا رفتن تب و تاب اعتراض عمومی، نیروی مسلح حزب ما، گارد آزادی، باید از درون شهرها و از درون جامعه، و نه از گروه و از پشت مرزها و اردوگاهها، بجوشد، فوران کند، و قبل از هر نیروی دیگری امنیت مردم و جامعه را تضمین کند.

گارد آزادی ضامن دفاع از امنیت مردم و دفاع از آزادی فعالیت سیاسی حزب و پس زدن هر تعرض نیروهای ناسیونالیست به مردم، به طبقه کارگر و با به حزب ما هم هست. کسی نباید بتواند در مقابل ما و در مقابل آزادی فعالیت سیاسی دست به اسلحه ببرد. گارد آزادی ضامن این تعهد و ابزار پشیمان کردن اینهاست.

در کردستان سرنگونی جمهوری اسلامی، و حتی تضعیف کنترل دولت بر این منطقه در نتیجه اعتراضات توده ای مردم، بطور قطع منجر به سرازیر شدن نیروهای مسلح احزاب ناسیونالیست به نور شهرها و بعد به داخل شهرها خواهد شد. این روند قطعی است.

بطور قطع تکلیف جمهوری اسلامی در کردستان را مخلوطی از نیروی اعتراض به سرعت نیرویشان را

نظامی پیدا میکند. این واقعیت در آرایش احزاب سیاسی در کردستان منعکس است. خود ما سابقه چندین سال مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی را داریم. هنوز با نیروی نفوذ توده ای و قدرت اسلحه مان میتوانیم امنیت فعالیت مان در کردستان را حفظ کنیم.

اما این همه قضیه نیست. رابطه میان احزاب سیاسی هم در کردستان بعد نظامی پیدا کرده است. یک حزب کمونیستی بطور دائم در خطر هجوم و تعرض نیروی مسلح احزاب ناسیونالیست است. در غیاب قدرت دفاع از خود، هیچ حزب سیاسی ای در کردستان شانس ندارد. نه به لحاظ عملی شانس دارد و نه در ابعاد اجتماعی این شانس را دارد که اعتماد مردم را کسب میکند.

رابطه میان مردم با جمهوری اسلامی، احزاب آپوزیسیون با دولت و میان خود احزاب آپوزیسیون، مستقل از خواست ما و راستش علیرغم خواست ما، بعد نظامی پیدا کرده است. کشتار فعالین سازمان پیکار توسط حزب دمکرات، حملات متعدد و مکرر نظامی حزب دمکرات به کومه له در طول سالهای فعالیت ما، رابطه اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق، حملات اتحادیه میهنی به حزب کمونیست کارگری عراق، جنگ پ ک ک با اتحادیه میهنی و جریان بارزانی تنها گوشه هایی از این واقعیت است.

امنیت مردم به کرات، همزمان مورد حمله نیروهای مسلح رژیم و نیروهای مسلح احزاب ناسیونالیست قرار گرفته است. گ.

گارد آزادی ضامن دفاع از امنیت مردم و دفاع از آزادی فعالیت سیاسی حزب و پس زدن هر تعرض نیروهای ناسیونالیست به مردم، به طبقه کارگر و با به حزب ما هم هست. کسی نباید بتواند در مقابل ما و در مقابل آزادی فعالیت سیاسی دست به اسلحه ببرد. گارد آزادی ضامن این تعهد و ابزار پشیمان کردن اینهاست.

در کردستان سرنگونی جمهوری اسلامی، و حتی تضعیف کنترل دولت بر این منطقه در نتیجه اعتراضات توده ای مردم، بطور قطع منجر به سرازیر شدن نیروهای مسلح احزاب ناسیونالیست به نور شهرها و بعد به داخل شهرها خواهد شد. این روند قطعی است.

بطور قطع تکلیف جمهوری اسلامی در کردستان را مخلوطی از نیروی اعتراض به سرعت نیرویشان را

انفعال خاصی است. این فعل و انفعال عبارت از هشپاری نسبت به خطر سناریو سیاه و ضرورت تضمین امنیت مردم است.

بارها توضیح داده ایم که وقتی صحبت از کنترل میکنیم منظورمان برقراری پست بازرسی یا کنترل پلیسی نیست. منظور احاطه فکری، ارزشی و سیاسی بر فضای محل، تاثیرگذاری بر آن، بالا بردن هشپاری مردم و تامین قابلیت عملی ممانعت از داروینسته های اسلامی، قومی و گانگسترهای سیاسی برای تحمیل خود بر مردم، زورگویی و تعدی به امنیت مردم است.

منظور تامین یک فضای آزادیخواهانه و انسانی در محل فعالیت است. واحد گارد آزادی بخش لاینجاز فعالیت حزب در محل است. اهرم و ابزار قدرت فعالیت کمونیستی و زندگی و فعالیت آزادیخواهانه در محل است. منظور این است که گارد آزادی برای خود وظیفه حفاظت و حرست مردم و بنیادهای زندگی مندی را در قبال جریانبات باند سیاهی قائل است. این خاصیت هم در سراسر ایران صادق است. در نتیجه گارد آزادی و واحد های آن باید قدرتمند شوند. باید رشد کنند و زیاد شوند و مهمتر از همه اینکه باید حواس شان باشد و این وظیفه را برای خود قائل باشند.

واحدهای گارد آزادی باید این کار را به هر درجه ای که میتوانند انجام دهند. به این معنی گارد آزادی تنها هسته ها یا واحدهای نظامی مسلح نیست. یک نیروی سیاسی - نظامی است که عمیقاً در زندگی و رگ و ریشه محل فعالیت خود حضور دارد. همانطور که اشاره شد این نیرو بخشی از فعل و انفعال حزب در هر محل است. کل وظیفه کنترل محل به حزب برمیگردد و گارد آزادی ابزار مهم آن است که بنا به موقعیت میتواند قبل یا بعد از بقیه اعضا و جوارح حزب در یک جا سازمان پیدا کند.

پ - جنبه خاص گارد آزادی در کردستان

آنجا که به کردستان بر میگردد، گارد آزادی علاوه بر این وظیفه، نقش مهم دیگری را بر عهده دارد که ما از قبل همیشه بر آن تاکید داشته ایم و بیشتر با آن آشنا هستیم.

در کردستان رابطه میان مردم با جمهوری اسلامی بعد نظامی پیدا کرده است. هر تحریک سراسری و همگانی مردم کردستان در مقابل جمهوری اسلامی بدون بروبرکرد از هر دو طرف بعد

تاکتیک،" بیان دقیق استراتژی و تاکتیک جدید است، عنوان گویای این جدائی در شیوه مبارزه بود.

بخش مذهبی (جوانان نهضت آزادی) در این جدائی سازمان مجاهدین را ایجاد کردند و بخش غیرمذهبی تر آن چریکهای فدائی را. امروز هم میتوان این اتفاق بیفتد. بخشی از سرخوردگان از نو خرداد میتوانست به اسلحه ببرند. میتوانند، نمی گویم حتما این کار را میکند. بخش مهمی از اینها سنت چنین کارهایی را دارند. از "انتشجوری خط امام" و "برادران سیاه" و مامورین دستگاه اطلاعات جمهوری اسلامی هستند و هنوز به آن افتخار میکنند. این نوع روی آوردن به اسلحه مطلقا علامت رانیکالسیسم نیست. فقط علامت میلانیت است. بودن است. باید جنبش را نگاه کرد.

بحث ما این است که صورت مسئله در ایران تغییر کرده است. ما با مسائل جدیدی روبرو هستیم باید به این مسائل جواب بدهیم. گسترش فعالیت تاکفونی و تعمیم دلخواه وضعیت کردستان به سایر مناطق ایران راه درستی نیست.

یکی از دلایلی که جامعه قیام نمیکند ترس از این وضع و ناروشتی نسبت به آینده است. تا ما به مردم نشان ندهیم که قدرت دفاع از خود و از جامعه را میتوانند تامین کنند، بعید است مردم چشم بسته زندگی خود و فرزندان خود را به کام عراقیزه کردن ایران بدهند. مردم از سر استیصال قیام نمیکند. این یک تصور آتارسیستی و بیمارگونه است. قیام مردم قبل از هر چیز محصول خوشبینی و امید به آینده و دیدن امکان پیروزی است. مردمی که در مقابل خود خطر عراقیزه شدن ایران را میبینند قیام نمیکند. درست به همین دلیل هر تعرض نظامی آمریکا یا اسرائیل یا کل ماجراجوئی نظامی در منطقه برای جمهوری اسلامی عمر میخورد و خود جمهوری اسلامی بیش از گذشته به این سیاست روی آورده است. با شعر گفتن در مورد قیام و جیغ کشیدن در مورد آن قیام صورت نمیکرد.

بنابر این باید روشن باشد که نقطه شروع ایتکار گارد آزادی برای من و برای قزاقی که نوشته ایم این وضعیت است و نه تصمیم به گسترش بتانسیل نظامی مان از کردستان به سایر مناطق ایران.

در اهداف نیرو و قابلیت نظامی ما در کردستان هم باید تغییر به

ترین مسئله جامعه خواهد شد که حتی نمیتواند خود کارگران را جمع کند.

حزب ما و این پلنوم دارد تصمیم میگیرد در مقابل این پدیده بایستد و ابزارهای مقاومت و مقابله را به جامعه و طبقه کارگر بدهد. مهمترین ابزار، روشنی افق سیاسی است. این کار به کلی متفاوت از رسمی کردن فعالیت فی الحال در کردستان و یا تسری آن به سایر مناطق ایران است.

شرایط به نسبت سالی که کفرانس اول کمونیس کارگری را گرفتیم و توضیحی که برای اهمیت بتانسیل نظامی در کردستان دادیم و نسبت به زمانی که قطعنامه علیه فدرالیسم و قطعنامه در مورد خطر سناریو سیاه را نوشتیم تغییر کرده است.

عراق در اشغال آمریکاست، جمهوری اسلامی دارد سلاح هسته ای میسازد و مستقیما کاری از آمریکا و غرب بر نمی آید. عراقیزه کردن ایران یک پروژه مشترک کل پورژواری شده است، فدرالیسم قومی - مذهبی عروج کرده، به جز ما همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون یا فی الحال فدرالیست قومی شده اند و یا با زدن خود به خواب و بی اهمیت جلوه دادن این خطر عملا به اردوی فدرالیسم پیوسته اند. در نتیجه وظایف ما تغییر کرده است.

من طرفدار این نیستیم که سازمان دادن گارد آزادی را از تهران شروع کنیم و این به صراحت در بند ۵ قرار آمده است. دقیقا به این دلیل که حزب ما میتواند روی یک بستر ماجراجوئی نظامی بیفتد که جوانان سرخورده از نو خرداد میتوانند نیروی محرکه و مبنای آن باشند.

درست همانطور که جوانان سرخورده از مبارزه سیاسی "جبهه ملی" در سال ۱۳۴۸ دست به اسلحه بردند. چریک فدائی و مجاهدین خلق جوانان جبهه ملی بودند نه ادامه چپ نوع حزب توده مسعود احمدزاده و تئوریسینهای اصلی چریک فدائی از سنت جبهه ملی میآیند و نه حزب توده. بعدهاست که جوانان سرخورده از حزب توده (جزئی و غیره) به این جریان میپیوندند. هنوز هم شکاف میان این دو سنت در بقایای چریک فدائی وجود دارد.

سال ۱۳۴۷-۱۳۴۶ با سرکوب اعتراضات سیاسی جبهه ملی توسط رژیم شاه، جوانان جبهه ملی به این نتیجه میرسند که مبارزه سیاسی نتیجه ندارد باید دست به مبارزه مسلحانه زد. عنوان "مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم

من این است که با قدرت و با زور میشود این کار را کرد. با اعتصاب کارگری و با تظاهرات که نمیشود به جنگ دارونده های مسلح قومی و اسلامی یا گانگسترهای سیاسی رفت. با تظاهرات که نمیشود جلو بمبگذاری "استشهادیون" اسلامی و قومی را گرفت کسی که میخواهد جلو این دارونده ها را بگیرد باید قدرت داشته باشد مانع آنها شود، دفعشان کند، پشیمانشان کند، فلجشان کند.

ما باید با صراحت تمام بگوئیم که در مقابل ماجراجویی جریانات سناریو سیاهی با قدرت عمل خواهیم کرد. مردم هم باید همین دید را داشته باشند کسی که به مردم این را نمیگوید و فقط میگوید قیام کنید انشالله بعد خوب میشود نامسئول است دارد در دست نیروهای باند سیاهی عمل میکند.

ما باید این توقع و این خواست را در جامعه بوجود آوریم که طبقه کارگر و مردم انقلابی از همان اول جلو ماجراجویی، تروریسم و قلدری دارونده های قومی و اسلامی و همنظور گانگسترهای سیاسی با نیرو بگیرند.

کسی که به خودش بمب میندند را نمیشود با اعتراض توده ای عقب نشاند. امروز در بغداد تظاهرات نمیشود چون هر ۲۰ نفری که جمع شوند مورد حمله خمپاره و بمب و از پی جی هر دارونده جانپنازی قرار میگیرند. اعتصاب کارگری و تظاهرات توده ای جواب سناریو سیاه نیست. کارگران و مردم هم جرات تظاهرات ندارند. اینها ابزارهای مبارزه در یک جامعه مدنی است. مدنیت مبنای کارکرد این چنین تاکتیکهایی است با کسی که از اساس مدنیت را میباشاند و یا این مدنیت برایش ارزش ندارد نمیشود مبارزه سیاسی کرد.

بحث بر سر این است که ایران در استانه یک سناریو سیاه قرار گرفته است نیروهای سناریو سیاه هم امروز تقریبا تمام بستر اصلی پورژواری و مهمتر از همه آمریکا را شامل میشود. کل بستر اصلی اپوزیسیون پورژواری فدرالیست قومی - مذهبی شده است. دارند روی عراقیزه کردن ایران سرمایه میگذارند. دیگر جمهوری اسلامی تنها مشکل مردم ایران نیست. بگذارید فردا

آمریکا یا اسرائیل چند بمب به ایران بزنند توفت خواهیم دید که کمونیسها، طبقه کارگر و مردم انقلابی با چه فاجعه ای روبرو خواهند شد. دفاع طبقه کارگر از معیشت و با دستمزدش تبدیل به نامربوط

اگر اوضاع ایران، یعنی رابطه مردم با رژیم و رابطه مردم با احزاب سیاسی را به کردستان شبیه کنید و یا چنین شبیه ای بدهید، بدین معنی است که در بعد سراسری، در ایران، مبارزه اشکال نظامی به خود گرفته است و باید هسته یا واحدهای مسلح را سازمان بدهیم. در این صورت بحث گارد آزادی روی سنت مبارزه مسلحانه چریک شهری یا ماتونیستی مبادقت یا به نظر میرسد قیام در دستور است. با این تبیین، بدون اینکه خواسته باشید، به سیاست در بعد سراسری شکل و رنگ مسلحانه میدهید.

به اعتقاد من در بعد سراسری رابطه مردم با جمهوری اسلامی شکل نظامی پیدا نکرده است و قرار نیست امروز ما در سراسر ایران مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی را شروع کنیم و قیام هم هنوز در دستور کار نیست. چنین ارزیابی ای از جنس فرمول های مجاهدین، چریک فدائی و سرداران است.

اما مهمتر از همه اینکه این برداشت میتواند فرمول جوانانهی در تهران باشد که از نو خرداد سرخورده اند و به این نتیجه میرسند که مبارزه سیاسی با جمهوری اسلامی فایده ندارد و باید به ترور و بمبگذاری روی آورد. این یک خط جدی است. امروز خطر چرخیدن به فعالیت تروریستی از جانب پایه سرخورده نو خرداد کم نیست. درست با همان مکانیسم که مجاهدین از جمهوری اسلامی در سال ۶۰ سر خوردند و دست به اسلحه بردند. اینها هم میتوانند به خودشان بمب ببندند.

اگر بحث گارد آزادی را از تضمین امنیت و آزادی مردم دفاع در مقابل سناریو سیاه شروع نکنیم، سر از بحثهای مبارزه مسلحانه ای در می آوریم. هم در بحثهای این دو روزه و هم قبلا در بحثهای انجمن مارکس توضیح دادم که این خطر جدی است و مهمتر، راه مقابله با آن را نشان داده ایم که باید شروع به عملی کردن آن کرد. برای قراری که در مقابل پلنوم هست نقطه عزیمت همین است.

قرار نیست ما وضعیت کردستان را به سراسر ایران تعمیم بدهیم. نیروی سیاسی و حزبی که در سطح سراسری به این وضعیت جواب ندهد. شانس ایقاف نقش مفیدی ندارد. نامسئول است.

سوال این است که چگونه میتوان جلو تحقق سناریو سیاه و از هم پاشیدن بنیادهای زندگی مدنی را گرفت؟ پاسخ

مردم و با حزب را روشن میکند. مقررات و سیاستهای گارد آزادی در هر دوره در چارچوب نیازها و سیاستهای حزب و اوضاع جامعه تعریف میشود. به شرطی که همانطور که در این سند آمده است این مقررات و سیاستها با برنامه حزب و با اصول سازمانی ما نباید در تناقض قرار گیرد.

با این توضیحات از پلنوم میخواهم که این قرار را به تصویب برساند.

دور نوم: در رابطه با اصلاحیه ها و سوالات

رفقا!

مجددا میخواستم در دفاع از قرار در همین شکلی که هست صحبت کنم.

بحث گارد آزادی را از کجا باید شروع کرد؟

رفقای اصلاحیه هائی پیشنهاد کردند مبتنی بر اینکه جای بند ۴ و ۱ عوض شود یعنی: قرار گارد آزادی از بند کردستان و از تقابل آن با جمهوری اسلامی شروع شود. من با این اصلاحیه موافق نیستم.

تغییر جای بند ۴ با ۱ و شروع بحث از جمهوری اسلامی اختلاف در ارزیابی از اوضاع سیاسی و وظایف ما را میرساند. در نتیجه ضروری است که مجددا در این باره بحث کنیم. نظر من در مورد اوضاع سیاسی ایران در دستور جلسه قبلی و در بحث انجمن مارکس حکمت در مورد "انقلاب ایران و وظایف کمونیستها" منعکس است که مبنای سند گارد آزادی هم هست.

به اعتقاد من خطر سناریو سیاه و پاشیدن بنیادهای زندگی مدنی در ایران امروز از هر زمان جدی تر شده است و حزب ما باید در ابعاد سراسری در مقابل این خطر آرایش بگیرد و به آن پاسخ دهد.

اگر بحث را از کردستان شروع کنیم و فرمول همیشگی مان را بکار بگیریم اتوقت داریم بحث دیگری، و ارزیابی دیگری از اوضاع ایران را بطور ضمنی بنست میدهیم که نادرست است.

با این جابجایی در بندها اعلام میکنیم که مثل کردستان در ابعاد سراسری هم رابطه مردم با جمهوری اسلامی بعد با شکل نظامی پیدا کرده است. من با این ارزیابی مخالفم به نظرم واقعی نیست و خطرناک هم است.

وجود بیاید در کردستان هم بعد جلو گیری از سناریو سیاه برجسته تر میشود.

قبلا در کردستان احزاب مسلح بودند اما حزب دمکرات فدرالیست نبود. امروز نیروی مسلح این احزاب نیروی مسلح سناریو فدرالیسم قومی در ایران شده است. حتی کومه له هم اگر حزب دمکرات در "هیأت نمایندگی خلق کرد" راهش بدهد زیر فدرالیسم را امضا میکند. مگر درست به دلایلی کمتر از این اعلام نکرد که حزب دمکرات را "انقلابی" میدانند؟ چیزی که حزب دمکرات طی ۴-۵ سال جنگ نتوانست به ما بقبولاند، اینها با یک امتیاز حقیر قبول کردند. فدرالیسم را هم قبول میکنند.

ما با پدیده دیگری در جامعه روبرو هستیم. امروز اگر در کردستان گارد آزادی، علاوه بر وظایف "روتین" و آشنایی خود، وظیفه حفاظت از بنیادهای زندگی مدنی در جامعه، حفاظت از امنیت سیاسی و جانی و اجتماعی مردم را قائل نباشد بازنده خواهیم بود. گارد آزادی باید قبل از نیروهای سناریو سیاه کنترل شهرها و محلات را بیست بگیرد و علاوه قادر باشد از حاکمیت مردم در مقابل این نیروها دفاع کند.

گارد آزادی تنها بحث پتانسیل نظامی در مقابل جمهوری اسلامی نیست. بحث ممانعت از جنگ دیگری است که در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و با بعد از آن از جانب بازماندگان جمهوری اسلامی و اپوزیسیون جمهوری اسلامی میتوانند به مردم و به جامعه تحمیل شود. جمهوری اسلامی را با قیام مردم میتوان سرنگون کرد و ما تمام تلاشمان را در این راه بکار میگیریم. کار جمهوری اسلامی را با قیام میسازیم این قسمت ساده مسئله است. اگر بازمانده جمهوری اسلامی جریانات تقویت شده و شارژ شده اسلام سیاسی نبوند، اگر اپوزیسیون فدرالیست قومی و مذهبی وجود نداشت، اگر آمریکا این سیاست را نداشت و اگر اپوزیسیون فدرالیست و گنگسترهای سیاسی مسلح نبودند ما محتاج گارد آزادی نبودیم مشکل این است که قبل از اینکه دولت جمهوری اسلامی فرصت کشتن کارگر و مردم معترض در اهواز و سنج را پیدا کند، ممکن است "استشهادیون" (الأحواز، هخا، یزاک و با جریان زحمتکشان این کار را بکنند. بغداد و سلیمانیه و موصل را

نگاه کنید. در مقابل این خطر کارگر نفت خانه نشین میشود. به خاطر اینکه اپوزیسیون به تظاهرات اش بمب میزند. همان کاری که در بغداد و بصره و عماره و موصل و کرکوک و سلیمانیه و اربیل میکنند.

این اوضاع جدیدی است که سعی کردم در این پلنوم، همینطور در بحث انجمن مارکس - حکمت، توجه شما را به آن جلب کنم. این اوضاع جدید وظایف جدیدی را در دستور ما قرار میدهد. باید با دقت و روشنی تمام این اوضاع جدید را بشناسیم و با قاطعیت و شفافیت نظری و سیاسی کامل پای اجرای این پروژه ها برویم.

جایگاهی بند ۴ و ۱ این قرار، کل فلسفه آن را تعبیر میدهد. من نگران کارمان در کردستان نیستم. قواعد و بالا و پائین کار و پتانسیل نظامی در کردستان را میشناسیم آنچه که باید بشناسیم اوضاع جدید و وظایف جدید در ایران است.

رفقائی اشاره کردند که احزاب سیاسی تنها در کردستان مسلح هستند. این هم به نظر من درست نیست. فاشیستهای قومی در اهواز همین نیروز بمب منفجر کردند، مجاهدین مجددا، این بار با کمک و تأیید دستگاههای اطلاعاتی آمریکا، مسلح شده و فی الحال واحدهایشان، که بعضی میگویند واحدهای مشترک با نیروهای آمریکائی است، در رفت و آمد به عمق ایران هستند. آمریکا با همه توان نظامی خود دارد روی فدرالیسم و نیروهای فدرالیست قومی و مذهبی سرمایه گذاری میکند. حزب دمکرات کردستان با قبول طرح فدرالیسم، دارد برای همه ایران نسخه میبندد و جنگ را به تهران میگذرد. حزب دمکرات و نیروی مسلح دیگر یک پدیده محلی کردستانی نیست، محمل جمع کردن همه نیروهای سناریو سیاهی شده است. فدرالیستهای قومی و مذهبی که دور عبدالله مهدی یا عمر ایلخانی جمع نمیشوند، دور حزب دمکرات متحد و فعال میشوند. امروز حزب دمکرات و نیروی مسلح یکی از مهمترین بازیگران و پشتوانه های سیاست فدرالیستی در صحنه سراسری ایران است.

قرار پیشنهادی از این زاویه به دنیا نگاه میکنند. از حزب میخواهد که با جسارت و قدرت وارد این پروسه شود و برای این کار باید از نظر سیاسی مثل الماس شفاف و تیز و قاطع بود. این کار را با ناروشنی، با ابهام

و نیمه و ناتمام نمیشود انجام داد. اگر پلنوم در این مورد اطمینان کافی ندارد درست ترین کار این است که فعلا این قرار را تصویب نکنیم و به بحث در این مورد ادامه بدهیم. تصویب قرار اهمیت فرعی تری نسبت به روشنی سیاسی و عملی ما دارد. از نظر من به تعویق انداختن تصمیم گیری در این مورد میتواند اصلا نشانه ضعف نباشد. بعکس میتواند نشانه جدیدی باشد که خصوصیت همیشگی جریان ما بوده است.

بعد از تصویب این قرار و شروع بحثهای ما، اپوزیسیون فدرالیست از همین سر به ما حمله میکند که چرا از جمهوری اسلامی شروع نکرده اید. حزب ما و رهبری ما باید در مقابل چنین حملاتی جواب روشن داشته باشد. مهمترین ابزار فدرالیستها بی اهمیت کردن و حاشیه ای نشان دادن مکان سناریو سیاه و عرقپزه شدن ایران است. قبل از اینکه در مقابل ما یا طبقه کارگر و یا مردم دست به اسلحه ببرند میخوانند مردم را قانع کنند که چیزی که بدست گرفته اند برگ زیتون است نه بمب هسته ای یا شیمیایی یا اسلامی - قومی. برای این کار از تعرض سیاسی به ما شروع میکنند و حزب باید کاملا قادر به دفع این حملات و منتقل کردن جنگ سیاسی به میدان حریف باشد.

مردم هم در همین پروسه روشن میشوند و به قدرت خودشان و قدرت ما باور میکنند. اگر پلنوم احساس اطمینان و اعتماد به نفس و روشنی سیاسی لازم برای وارد شدن در این جدال سیاسی و عملی را ندارد، بهترین کار به تعویق انداختن تصمیم به بعد از بحث بیشتر است.

در معرفی این قرار اشاره کردم که این قرار همه جنبه های گارد آزادی را نمی پوشاند. گارد آزادی قاعدتا نیاز مند پبانه، مقررات، نوشته های آموزشی، اسناد استراتژیک، تاکتیکی و عملی متفاوت است. این اسناد باید به تریج و بسته به شرایط و نیاز تهیه شوند و به تصویب مراجع مسئول برسند. این قرار مبنای کار را روشن میکند. بسیاری از نکاتی که مورد اشاره رفقا قرار گرفت به این اسناد تعلق دارند و جایشان اینجا نیست. این قرار

به خودمان و ندیای بیرون چارچوب عمومی کار را نشان میدهد و اعلام میکند که این پلنوم چه کاری را میخواهد انجام دهد. اعلام میکند که ما از اساس کار دیگری را شروع میکنیم، مبنای جدیدی

را در سیاست ایران میگذاریم و از قابلیت و پتانسیل موجود حزب مان هم البته نهایت استفاده را خواهیم کرد.

کل بحث من این است که اگر این کار را نکنیم هم طبقه کارگر، هم ما و هم مردم انقلابی در این کشمکش بازنده خواهیم بود. گارد آزادی پدیده ای متعلق به کردستان نیست. به تهران و اصفهان و شیراز و تبریز مربوط است. چون در اصفهان مجاهدین مسلح هستند، بورژوازی "بختیار" ها، "قشقایی ها"، "عرب ها"، "بلوچ ها"، "یهودیها"، "بهناییان"، "سنی ها" و "آذربایجانی ها"، از مسلح میکند. و اینها جنگ را از تهران و اصفهان و شیراز و تبریز شروع میکنند نه از کوههای کردستان. این اتفاق دارد جلو چشم ما میافتد. سوال این است که آیا کمونیسم و طبقه کارگر کالیبر، دوربینی، مسئولیت و جسارت و کاردانی پاسخ دادن به این خطرات را دارد؟ یا مثل همیشه خود را به لفاظی و دنباله روی مشغول میکند. بر تن انقلاب ۵۷، به ضرب مبدیا تن تبلیغات و توافقات، لباس اسلامی کردند. میخوانند بر تن انقلاب آبی ایران به ضرب اسلحه و پول و تبلیغات و نیروهای فدرالیستی لباس قومی بپوشانند. سوال این است که آیا کمونیستها در این انقلاب همان جانی که بوپولیتس های سال ۵۷ ایستادند خواهند ایستاد؟ توفقت نه گاردی در مقابل اسلام و آل احمدیسم داشتند و نه راستش مرزی با ناسیونالیسم ایرانی جهان سومی. امروز هم جیب نه مرز درستی با قوم گراها دارد و نه با مدرنیسم هخا و میلیتاریستی الاحواز احساس تمایز میکند.

ممانعت از دادن هویت قومی به جای هویت انسانی به انقلاب آبی ایران تنها با قدرت ممکن است. این قدرت از روشنی فکر و سنت اجتماعی و از قابلیت نظامی در می آید. دشمنان مردم فی الحال اسلحه شان را روی نوششان انداخته اند. در مقابل این صف ارتجاع تنها ما، بعنوان یک حزب، ایستاده ایم. تنها ما میتوانیم به همه انسانهای شرافتمند، انقلابی و آزادیخواه، در هر جا و هر سازمان و حزبی که هستند، را به گرد یک راه حل انقلابی و انسانی و عملی متحد کنیم و جامعه را از این مهلکه عبور دهیم.

ما باید یک تصویر، یک راه، را در مقابل جامعه قرار دهیم. باید مردم در تهران و اصفهان و شیراز و سنج و مروان و این تصویر و این راه را ببینند و حول این پرچم متحد شوند. این در مقایسه با

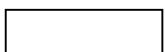
سیاستهایمان در رابطه با حزب دمکرات و نظامی شدن سیاست در کردستان و اهمیت داشتن پتانسیل نظامی، که تا حال به آن مشغول بوده ایم، سیاست و جهتگیری متفاوت و جدیدی است.

ما باید به سرعت مشغول عملی کردن این سیاست در کردستان شویم و در سایر نقاط ایران، همانطور که اشاره شد باید اولاً تصویر بدهیم و توقع بوجود آوریم و ثانیاً با دقت و وسواس، عملی کردن آن را شروع کنیم. منوجه باشیم که از شرایط زیاد جلو نینفیم و همینطور عقب نمانیم. تناسب قوا در خارج کردستان و تصور مردم از رابطه شان با احزاب با کردستان متفاوت است. باید با دقت و حساب شده پیش برویم که برنامه ریزی برای آن، کار کمیته های مسئول این کار است.

در مورد رابطه سازمانی گارد آزادی با حزب

در مورد رابطه سازمانی گارد آزادی با سازمان حزب، در سند آمده است که این نیرو جزو سازمان محلی حزب است و به نظر من همین طور هم باید بماند. کنترل محل و دفاع از بنیادهای زندگی مدنی در هر جا، کار مهم حزب است. به همین دلیل در هر محله، در هر شهر، در هر کارخانه یا دانشگاه گارد آزادی تابع کمیته حزبی محل و جزو سازمان حزب در آن محدوده است. جدا کردن اینها منجر به غیرسیاسی شدن گارد آزادی و غیربرراتیکی شدن سازمان حزب، ایجاد یک حزب کم خاصیت و یک سازمان نظامی "ماورای سیاست" میشود که از هر نظر به ضرر ماست. در شرایط خاص که احتیاج به تمرکز و تحرک واحدهای بزرگتر داشته باشیم برای آن وظیفه میتوانیم نیروی عمل (task force) لازم را بوجود آوریم و تصمیمات موردی بگیریم. از نظر اصولی گارد آزادی جزو سازمان حزب است و تابع سلسله مراتب کمیته های حزبی از کمیته کارخانه تا کمیته محل یا شهر و غیره است.

من از این قرار در همین شکلی که هست دفاع میکنم و از پلنوم میخواهم که آن را تصویب کند. مگر اینکه پلنوم رای به عدم کفایت مذاکره بدهد که به نظر من هیچ ایرادی ندارد.



مصاحبه نشریه انترناسیونال، شماره ۳۱، در مهر ۱۳۷۸ (اکتبر ۱۹۹۹) با منصور حکمت



انترناسیونال: نظرتان درباره اهمیت گذشت سیاسی-نظامی اخیر نیروی مسلح حزب در حومه مریوان و هدف فعالیت‌های این نیرو در شرایط کنونی چیست؟

منصور حکمت: اهمیت این حرکت، علاوه بر نتایج مستقیم خود عملیات از نظر تحکیم رابطه حزب با مردم کردستان، در این است که یک بُعد مهم فعالیت را که حزب در این سالها در تدارک آن بوده است عملاً آغاز میکند. این با توجه به اوضاع سیاسی جاری ایران جایگاه تعیین کننده‌ای دارد. داشتن پتانسیل ابراز وجود به عنوان یک حزب مسلح در ابعاد وسیع، شرط حیاتی هر

نوع فعالیت جدی در کردستان است. با عملیات اخیر، حزب کمونیست کارگری این بُعد فعالیت را گشوده است. در مورد بخش دوم سؤال باید بگویم که وظایف نیروی مسلح کاملاً تابعی از مشخصات دوره‌هایی است که د اوضاع گسترش دخالت و حضور سیاسی ما در همین دوره است. در همان حال پایه‌های یک نیروی مسلح وسیع است که باید در دوره‌های دیگری به همین عنوان، یعنی به عنوان یک نیروی نظامی با وظایف اساساً نظامی، نقش بازی کند.

حزب کارگری، هر قدر هم که در ارزیابی یک تعیین تکلیف سیاسی و غیرنظامی باشد، در این اوضاع باید توان دخالت نظامی در بالاترین سطح را داشته باشد

داشتن پتانسیل ابراز وجود به عنوان یک حزب مسلح در ابعاد وسیع، شرط حیاتی هر نوع فعالیت جدی در کردستان است. اوضاع ایران و کردستان پیچیده است و حزب باید برای هر احتمال و هر سیر تحول آماده باشد. این بدون تلاش برای ساختن یک نیروی مسلح مؤثر و ایجاد پتانسیل حضور نظامی وسیع ممکن نیست

سیاسی ایران و کردستان انترناسیونال: در چشم انداز طی میشود. در این مرحله از آتی اوضاع، جایگاه فعالیت یکسو این نیرو ابراز وجود را در

چهارچوب استراتژی سیاسی حزب کمونیست کارگری چگونه میبینید؟ **منصور حکمت:** هر نیرویی بخواهد در آینده کردستان نقش بازی کند، باید به بُعد نظامی فعالیت و به خصلت مسلح سازمان سیاسی بطور جدی فکر کند. دولت‌های مرکزی در چند کشور، و رژیم اسلامی بطور اخص، نظامیگری و اسلحه را وارد معادلات سیاسی کردستان کرده‌اند. هر ابراز وجود سیاسی مردم کردستان تاریخاً به طرق نظامی سرکوب شده. دشمنان مردم در کردستان همیشه با تعلق به چند جریان مسلح اصلی تعریف شده‌اند. حزب کارگری، هر قدر هم که در ارزیابی یک تعیین تکلیف سیاسی و غیرنظامی باشد، در این اوضاع باید توان دخالت نظامی در بالاترین

بودن این نیرو تابع شرایط سیاسی و نیازهای حزب است.

سازمان گارد آزادی هر جا که اختناق سیاسی حاکم است از سازمان حزب در محیط کار و زیست جدا است. مبنای سازمان دهی آن واحد های منفصل است که مستقیماً به فرماندهی وصل هستند.

شرط عضویت در گارد آزادی، مانند عضویت در حزب یعنی تقاضای فرد و پذیرش او توسط کمیته حزب است.

عضویت در گارد آزادی و عضویت در حزب یکسان نیستند. اما هر کس با پیوستن به گارد آزادی بطور اتوماتیک عضو حزب خواهد شد مگر اینکه خود صراحتاً عکس این را بخواهد.

آیین نامه ها، مقررات و ضوابط عمومی گارد آزادی توسط دبیر کمیته مرکزی تهیه میشود و باید به تصویب دفتر سیاسی برسد. در هر حال این ضوابط و مقررات نمیتواند با اصول سازمانی حزب در تناقض قرار گیرند. رفتار گارد آزادی و اعضای آن نمیتواند با مواد برنامه حزب و فلسفه انسانی آنخواهانه و برابری طلبانه کمونیستی حزب در تناقض قرار گیرد.

سازمان یابی جوانان و مردم بخصوص در محلات و شهرها است.

در شرایط کنونی با توجه به موقعیت حزب و شرایط خاص سیاسی در کردستان که از همان ابتدا احزاب بدون پتانسیل نظامی را فاقد هر شانس می کند سازمان دادن گارد آزادی وظیفه عاجل حزب در کردستان است. این نیرو، در کردستان، بعلاوه وظیفه حفاظت از رهبران کمونیست مردم و فعالیت های حزب (سته های سازمانده و غیره) در مقابل تعرض و مزاحمت جمهوری اسلامی و یا داروستانه های مسلح سیاسی، قومی و مذهبی دیگر را بر عهده دارد.

حزب بتدریج و طبق یک نقشه دقیق و حساب شده سازمان دادن گارد آزادی در سایر نقاط ایران را نیز در دستور خود قرار خواهد دهد.

گارد آزادی در هر منطقه جزو سازمان حزب در آن منطقه است و سلسله مراتب فرماندهی آن توسط کمیته حزب در منطقه تعیین میشود.

گارد آزادی دارای فرماندهی سراسری و ستاد مرکزی است. فرمانده سراسری گارد آزادی به پیشنهاد دبیر کمیته مرکزی و تایید دفتر سیاسی تعیین میشود. فرمانده سراسری گارد آزادی معاون نظامی دبیر کمیته مرکزی خواهد بود و مستقیماً تحت انوریته او کار خواهد کرد.

واحد های گارد آزادی در محیط زیست مردم و اساساً در شهرها سازمان میابند. بعلاوه گارد آزادی میتواند در شرایط لازم واحد های منظم و متحرک را نیز سازمان دهد. علنی بودن یا مخفی

قرار، گارد آزادی...

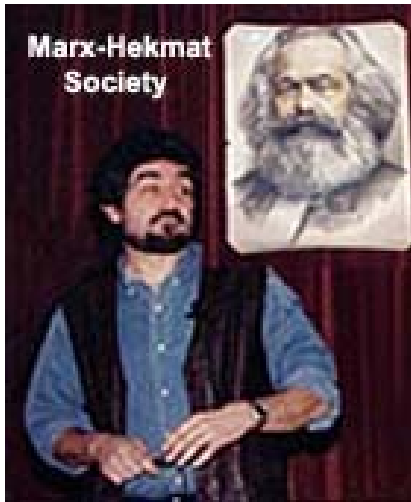
از ص ۱

پتانسیل و قدرت نظامی کوچکترین شانس برای دخالت مؤثر در حیات سیاسی جامعه را ندارد، نه حزب باید قادر باشد این خطرات را با قدرت پاسخ گوید امنیت و آزادی مردم و بنیادهای جامعه را تضمین نموده و اشکالی از سازمان یابی مسلح را در پیش گیرد که با زندگی مردم انطباق داشته و قابلیت دخالت مؤثر در بعد سراسری ایران را نیز دارا باشد

داشتن پتانسیل و قدرت نظامی توسط حزب طبقه کارگر به یک امر حیاتی تبدیل شده است و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای دادن پاسخ همه جانبه به این موقعیت "گارد آزادی" را تشکیل میدهد.

گارد آزادی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است و بعنوان بازوی نظامی حزب در خدمت اهداف، آرمانها و برنامه این حزب سازمان میابد. هدف فوری این نیرو تضمین قدرت نظامی حزب، طبقه کارگر و مردم انقلابی برای دفاع از آزادی و امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه است.

گارد آزادی هسته تسلیح عمومی مردم و تشکیل میلیس توده ای است و یکی از اشکال اصلی



انجمن مارکس - حکمت برگزار میکند

ژانویه تا مارس ۲۰۰۶

فاتح شیخ

- ۱- مارکس و تئوری کمونیسم
- ۲- لنین و تئوری انقلاب
- ۳- منصور حکمت و کمونیسم کارگری

کورس مدرسی

- ۱- حزب، کمونیسم و مبارزه اقتصادی طبقه کارگر - بررسی انتقادی سنت های چپ و سندیکالیستی
- ۲- حزب کمونیستی و سازمان های غیر حزبی و سازمان های توده ای
- ۳- اصول سبک کار کمونیستی - سازمان، رهبری و مسئله حزب سیاسی - توده ای

تاریخ و محل جلسات متعاقبا اعلام خواهد شد.

www.marxhekmatsociety.com

marx.hekmat@gmail.com

از انتشارات حزب کمونیست کارگری حکمتیست

کارگران جهان متحد شوید!

شهرور ماه ۱۳۸۴
سیا میر ۲۰۰۵

سردبیر: کورش مدرسی

حکمت ۲

نشره ای تئوریک - سیاسی از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کورش مدرسی: جبر یا اختیار، منصور حکمت و نقش اراده انسان در تاریخ، محمود قزوینی: در نقد انقلاب پوپولیستی حمید ترقانی، کورش مدرسی: حزب کمونیستی و قدرت سیاسی (قسمت دوم)، رحسان حسین زاده: اوضاع سیاسی ایران و نقشه راه ابرج فرزند طبقه کارگر با کاهن معبد، تئوری، علم و مابینگری اکونومیستی، حسین مرادبیکسی: حزب دمکرات از خودمختاری تا فدرالیسم، نریا شهبانی: "در ستایش خودم" حمید ترقانی و کمونیسم کارگری، مظفر محمدی: سه هفته جنبش اعتراضی در کردستان، اعظم کم کوبان: اومانیسم، آنه نیسم و معضل سقط جنین، حسین مرادبیکسی: مخمصه صفر گریمی و فاشیست های گرد، کورش مدرسی: کردستان و آینده مبارزه آن؟ تشکیلات کارگری یا شاخه نظامی؟ در باره کار قانونی، رفراژدم، جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی

منصور حکمت
آنانومی لیبرالیسم چپ

کورش مدرسی

حزب کمونیستی و قدرت سیاسی

همراه سه نوشته از منصور حکمت

- حزب و قدرت سیاسی - سفرانی در گذرگاه دوم حزب کمونیست کارگری
- حزب و جامعه
- دولت در دوره های انقلابی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
شهرور ۱۳۸۲

در روز گذشت دستاوردهای یک زندگی برپای

منصور حکمت بر شاخه های مارکس و لنین استوار است. اما ثابت خود او به روشنی منبوه است. دولت در دوره های انقلابی و کار دولت و انقلاب بگذارید، بحث رابطه اجزای، طبقات و جنبش های اجتماعی، و نقش انقلابی آگاهی فرار دهید و دیالکتیک، برنامه کمونیسم کارگری را با مایلمت مطالعه کنید. منوجه تمام تعلیم منصور حکمت منبوه.

نقد منصور حکمت از حرکت استالینا مانع منصور حکمت نمرده استند. منصور حکمت با ایده هایش با آرمانش و با کمونیسمش به هر دو نایاب جنبش برابری انسانها و جنبش سوسیالیستی باقی خواهد ماند. زنده باد منصور حکمت

منصور حکمت

منتخب آثار

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Workers' Communist Party of Iran - Hekmatist